

از شعله ور کردن آتش جنگ خودداری کنید

**جنگ برای اکثریت اهالی فاجعه آفرین و برای
اقلیت لاشخوران جنگی ارمغان آور**

**ننگ و نفرت بر جنگ افروزان و جنایتکاران جنگی
گسترده ترو مستحکمتر باد همبستگی اکثریت اهالی
جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا-اسرائیل
و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت
حکومت اسلامی در ایران**

- تجمع اعتراضی کارگران کارخانه سیمکو نسبت به عدم پرداخت 3 ماه حقوق و اخراج 20 کارگر
حق طلب

- تجمع اعتراضی اهالی بلده نور نسبت به فعالیت مخرب معادن شن و ماسه و جاده مرگبار با
شعار «معادن معادن تعطیل باید گردد»

- ادامه اعتراضات نسبت به قطعی برقی در کشور با تجمع روز جمعه 3 مرداد اهالی شهر کوچصفهان
در استان گیلان و تجمع روز چهارشنبه یکم مرداد شهرستان انار در استان کرمان مقابل اداره برق

- ادامه اعتراضات نسبت به بی آبی در کشور با تجمع اهالی روستای برزنون نیشابور و بستن جاده

- ادامه اعتراضات بوقی جمعی از کامیونداران و رانندگان استان سیستان و بلوچستان نسبت به
وضعیت نابسامان گمرک مرز ریمدان و اخاذی های سیستماتیک

- فراخوان شورای هماهنگی برای شرکت در کارزار حمایت از زندانیان

- حمید مرادی جان فدای آبیدر کرد

- مفقودالآثر شدن یک کارگر شرکت اکتشاف نفت در باتلاق های منطقه گوبان

- گزارش کانون نویسندگان ایران از یک نسل کشی :

غزه امروز محک وجدان بشری است.

***تجمع اعتراضی کارگران کارخانه سیمکو نسبت به عدم پرداخت 3 ماه حقوق و اخراج 20 کارگر حق طلب**

روز چهارشنبه 1 مرداد، کارگران کارخانه سیمکو واقع در رشت از تجمع اعتراضیشان نسبت به عدم پرداخت 3 ماه حقوق در این واحد تولیدکننده کابل و سیم و اخراج 20 همکار حق طلب، خبر دادند.



نامه رسانه ای شده یک کارگر معترض کارخانه سیمکو:

...می‌خواستم از این طریق اعلام کنم ما پرسنل شرکت سیمکو بعد گذشت چهار ماه از سال فقط حقوق یک ماهش رو دریافت کردیم و بعد از گذشت این مدت، تجمع کردیم جهت روشن شدن وضعیت. ولی متأسفانه مدیران به جای حل مسئله، صورت مسئله را پاک کردند و تعداد 20 نفر از ما را اخراج کردند. هنوز بلا تکلیف هستیم و کسی هم به ما پاسخگو نیست.

***تجمع اعتراضی اهالی بلده نور نسبت به فعالیت مخرب معادن شن و ماسه و جاده مرگبار با شعار «معادن معادن تعطیل باید گردد»**

فیلم منتشره در شبکه های اجتماعی بتاريخ 3 مرداد، از تجمع اعتراضی اهالی بلده نور نسبت به فعالیت مخرب معادن شن و ماسه و جاده مرگبار با شعار «معادن معادن تعطیل باید گردد»، خبر می دهد.

قابل یاد آوری است که روز یکشنبه 29 تیر، ریزش کوه و سقوط سنگ در محور دوآب به بلده، در فاصله 45 کیلومتری جنوب آمل در جاده هراز، باعث جان باختن 2 نفر از سرنشینان یک وانت بار

عبوری در کیلومتر یک محدوده دوآب- بلده به سبب واژگونی خودرو شد. هر دو سرنشین در محل زمین لغزش کشته شدند و با دشواری فراوان جنازه ها از لای آهن پاره ها به بیرون کشیده شد. علت این ریزش فعالیت معادن و برداشت های بی رویه در دامنه کوه و رخداد زمین لغزش های پی در پی می باشد.

***ادامه اعتراضات نسبت به قطعی برقی در کشوربا تجمع روزجمعه 3 مرداد اهالی شهر کوچصفهان دراستان گیلان وتجمع روزچهارشنبه یکم مرداد شهرستان انار دراستان کرمان مقابل اداره برق**

فیلم ونصویر منتشره در شبکه های اجتماعی،از ادامه اعتراضات نسبت به قطعی برقی در کشوربا تجمع روزجمعه 3 مرداد اهالی شهر کوچصفهان دراستان گیلان وتجمع روزچهارشنبه یکم مرداد شهرستان انار دراستان کرمان مقابل اداره برق،خبرمی دهند.



***ادامه اعتراضات نسبت به بی آبی در کشوربا تجمع اهالی روستای برزنون نیشابور وبستن جاده**

فیلم کوتاه منتشره در شبکه های اجتماعی،حاکی از ادامه اعتراضات نسبت به بی آبی در کشوربا تجمع روزجمعه 3 مرداد اهالی روستای برزنون نیشابور وبستن جاده،می باشد.

***ادامه اعتراضات بوقی جمعی ازکامیونداران ورانندگان استان سیستان وبلوچستان نسبت به وضعیت نابسامان گمرک مرز ریمدان و اخاذی های سیستماتیک**

گزارش وفیلم منتشره در شبکه های اجتماعی بتاريخ 3 مرداد، از ادامه اعتراضات بوقی جمعی از کامیونداران و رانندگان استان سیستان و بلوچستان نسبت به وضعیت نابسامان گمرک مرز ریمدان و اخاذی های سیستماتیک، خبر می دهند.

به گزارش یک منبع خبری محلی، رانندگان با بوق های مکرر در محوطه گمرک، خواستار رسیدگی فوری به عملکرد رئیس جدید گمرک ریمدان شده اند .

بنابهمین گزارش، ریاست این گمرک اخیراً توسط مدیرکل گمرک استان، شهرکی، به فردی غیرمتخصص واگذار شده که فاقد هرگونه سابقه در امور گمرکی است.»

این فرد پس از آغاز به کار، بستگان و فرزند خود را که سابقه فعالیت در حوزه لوازم خانگی داشته اند به کار گمارده و از هر خودروی مبلغی بین 5 تا 6 میلیون تومان به عنوان هزینه ترخیص، اسکن و سایر عناوین دریافت می شود. این در حالی است که گفته می شود اسکنر موجود عملاً غیرفعال است.

در کنار این موارد، بی نظمی شدید ترافیکی ناشی از صف طولانی کامیون ها و نبود ساماندهی مشخص برای تردد خودروهای سنگین، یکی دیگر از مشکلات اساسی گزارش شده توسط رانندگان معترض است که روند فعالیت روزانه را با اختلال جدی مواجه کرده است.

این وضعیت، نارضایتی گسترده در میان رانندگان و تجار مرزی ایجاد کرده و فعالیت اقتصادی در این گذرگاه مهم تجاری استان سیستان و بلوچستان را مختل کرده است.

درهمین رابطه: اعتراض جمعی از کامیونداران و رانندگان استان سیستان و بلوچستان نسبت به کمکاری و تخلفات رئیس جدید بازارچه مرز ریمدان با بوق زدن های ممتد

روز چهارشنبه یکم مرداد، جمعی از کامیونداران و رانندگان استان سیستان و بلوچستان برای بنمایش گذاشتن اعتراضشان نسبت به کمکاری و تخلفات رئیس جدید بازارچه مرز ریمدان، دست به بوق زدن های ممتد، زدند.

این کامیونداران و رانندگان معترض به خبرنگاریک منبع خبری محلی گفتند: مسئولان بازارچه از آنان می خواهند برای عبور از مرز، خودروها را به دستگاه ایکس ری ببرند و به ازای هر خودرو مبلغ یک میلیون و پانصد هزار تومان (به صورت کارت کشیدن) پرداخت کنند، در حالی که دستگاه ایکس ری در بیشتر مواقع خراب است.

آنها افزودند: با ایجاد صف های طولانی و شلوغی عمدی در پارکینگ ها، بارهای قاچاق برخی افراد بدون رعایت نوبت و در میان ازدحام، رد می شود و همین موضوع موجب اعتراض شدید آنها شده است.

***فراخوان شورای هماهنگی برای شرکت در کارزار حمایت از زندانیان**

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران ، ضمن تشکر از استقبال هموطنان از این کارزار انسانی ، اسامی پنجاه نفر چهارم امضا کننده این کارزار را منتشر می کند :

۲۰۱. محمدباقر کنعانی ۲۰۲. روح‌اله کاوه‌ای ۲۰۳. کورش قربانی ۲۰۴. مینا احدی ۲۰۵. سیاوش کاظمی ۲۰۶. رمضانعلی محمدنژاد ۲۰۷. مرتضی همتی ۲۰۸. کیانوش بختیاری ۲۰۹. زینب رسولی ۲۱۰. مریم بابایی ۲۱۱. محسن سهرابی ۲۱۲. الهام ظریف‌هوشیار ۲۱۳. خسرو رنجبر ۲۱۴. حسن‌رضا شاه‌محمودی ۲۱۵. مختار شاه‌محمودی ۲۱۶. علی عبدلی ۲۱۷. فریدون ایرانی ۲۱۸. علی‌اکبر جعفری ۲۱۹. عیسی فصیحی ۲۲۰. امین بخشی ۲۲۱. زهره میرنوری ۲۲۲. ابوالفضل رودبارانی ۲۲۳. سحر شجاعی ۲۲۴. ایمان خسروی ۲۲۵. زاهد مجیدی ۲۲۶. علی ملک‌زاده ۲۲۷. فریدون حاتمی ۲۲۸. رضا رحمانی ۲۲۹. محسن تقی‌زاده ۲۳۰. حسین جمالی ۲۳۱. اشکان سلیمانی ۲۳۲. مهدی اشکش ۲۳۳. صدیقه اصلانی ۲۳۴. میرزا شمایل ۲۳۵. عزیز رحمتی ۲۳۶. محمد مهدی اخوان ۲۳۷. احمد سعیدی ۲۳۸. وحید میرشکار ۲۳۹. مهین پورطاهریان

۲۴۰. معصومه انصاری ۲۴۱. زهرا علیحیدری ۲۴۲. نازنین کریم‌پور ۲۴۳. علی شهرکی ابراهیمی ۲۴۴. اسماعیل حاج‌هاشمی ۲۴۵. سیدمجید خادمی ۲۴۶. داود راستگرد ۲۴۷. سیمین عامری ۲۴۸. میراقا رضازاده ۲۴۹. آمنه افشار ۲۵۰. رقیه شکوهی‌مقدم

هر روز اسامی پنجاه نفر از امضا کنندگان منتشر خواهد شد. همچنان نیازمند حمایت و اشتراک گذاری لینک فراخوان در شبکه های اجتماعی از طرف شما هموطنان عزیز می باشیم

<https://forms.gle/QksTfqtabigYm5zbA>

***حمید مرادی جان فدای آبیدر کرد**

در حادثه آتش سوزی آبیدر، ۸ نفر مصدوم شدند

حمید مرادی از مدافعان محیط زیست که دیروز در حلقه آتش آبیدر سنندج گرفتار شد و با درصد سوختگی زیاد به بیمارستان کوثر سنندج منتقل شد، صبح امروز سوم مردادماه با زندگی وداع گفت.

او به همراه شماری دیگر از فعالان محیط‌زیست در جریان آتش‌سوزی دوم مردادماه آبیدر، در میان حلقه‌ای از شعله‌های سرکش آتش به دلیل وزش باد گرفتار شدند، او و هم‌قطارانش برای مداوا به مراکز درمانی منتقل شدند، اما حمید به دلیل درصد زیاد سوختگی، سرود مرگ خواند و جان را فدای استوار ماندن قامت همیشه زخمی آبیدر کرد.

آنگونه که مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری کردستان به سیروان گزارش کرد در حادثه آتش‌سوزی آبیدر به دلیل دمای هوا بالای ۴۰ درجه و تغییر وزش باد شدید، ۸ نفر از فعالان محیط‌زیست در حلقه آتش گرفتار شدند، که از این تعداد دو نفر به صورت سرپایی مداوا و ترخیص شدند.

به گفته «بهزاد شریفی پور» از شش نفر باقی مانده سوخته شدگان در کمال تأسف حمید مرادی فوت شد، دو نفر از مصدومان هم اکنون در بخش مراقبت‌های ویژه سوختگی، و سه نفر نیز در بخش داخلی بستری‌اند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

***مفقودالآثر شدن یک کارگر شرکت اکتشاف نفت در باتلاق‌های منطقه گوبان**

به گزارش 3 مرداد سازمان آتش‌نشانی آبادان، 3 کارگر شرکت اکتشاف نفت در باتلاق‌های منطقه گوبان، واقع در 20 کیلومتری چوئیده، گرفتار شدند. نیروهای امدادی موفق به نجات دو نفر از آنها شدند، اما متأسفانه یک نفر همچنان در باتلاق گرفتار مانده و بر اساس گزارش‌های دریافتی، جان خود را از دست داده است. با توجه به تاریکی هوا، عملیات خارج‌سازی پیکر این کارگر با دشواری و کندی مواجه شده است.

*گزارش کانون نویسندگان ایران از یک نسل‌کشی:

غزه امروز محک وجدان بشری است.

آنچه در پی می‌آید چکیده‌ی گزارشی است از یکی از بزرگترین و خوفناکترین فجایع دوران مدرن که در قساوت و انسان‌ستیزی یادآور جنایات فاشیست‌ها و نازی‌هاست.

آنچه اسرائیل در غزه می‌کند- نخست اشغال نظامی سرزمین مردمی دیگر و سپس نسل‌کشی در سرزمین اشغالی- دقیقاً اجرای درسی است که صهیونیست‌ها از هیتلر آموخته‌اند. آنچه در زیر می‌آید تنها چند مورد از فهرست طولانی کشتاری است که اسرائیل، در جریان اشغال مجدد نوار غزه، پس از آتش‌بس اخیر، به آن دست یازیده است.

«در روز سه‌شنبه ۲۸ اسفند ۱۴۰۳، در اشغال مجدد غزه پس از آتش‌بس اخیر، بیش از ۱۷۰ کودک در این باریکه کشته شده‌اند. مجموع غیرنظامیان کشته‌شده به بیش از ۴۰۰ نفر رسیده است که ۱۷۰ نفر از آنان را کودکان و ۸۰ نفر آنان را زنان تشکیل می‌دهند.» (وبسایت رسمی دفتر هماهنگی امور انسانی سازمان ملل متحد(OCHA)

«در روز دوشنبه ۴ فروردین ۱۴۰۴ در حملات اسرائیلی‌ها به چادرهایی که آوارگان در غیضان ابورشوان و در بخش غربی خان‌یونس، نزدیک برج‌های طیبیه در آن پناه گرفته بودند و حمله به پنج خودروی غیرنظامی در حال تخلیه خان‌یونس و خانه‌ای در منطقه‌ی ممان در شرق خان‌یونس ده‌ها غیرنظامی از جمله زنان و کودکان کشته شدند.» (خبرگزاری وفا)

«نقض آتش‌بس و از سرگیری بمباران‌های سنگین و عملیات زمینی در نوار غزه تا روز سه‌شنبه ۱۲ فروردین، بنا به گزارش‌ها دست‌کم به کشته شدن ۳۲۲ کودک و مجروح شدن ۶۰۹ کودک دیگر منجر شده است. این بدان معنا است که طی ده روز گذشته روزانه به‌طور میانگین حدود صد کودک کشته یا ناقص‌العضو و فلج شده‌اند. بیشتر این کودکان آواره شده بودند و در چادرهای موقتی یا خانه‌های ویران‌شده پناه گرفته بودند. این ارقام شامل کودکانی هم می‌شود که در جریان حمله به بخش جراحی بیمارستان الناحر در جنوب غزه در روز یکشنبه سوم فروردین کشته یا مجروح شدند. (بیانیه یونیسف، صندوق کودکان ملل متحد، سه‌شنبه ۱۲ فروردین) پنجشنبه ۱۴ فروردین «۹ کودک که به داخل ساختمان ملل متحد در شمال غزه پناهنده شده بودند در بمباران ساختمان مزبور در نوار غزه در روز چهارشنبه کشته شدند.» (گزارش کمیسر کل انروا ژنرال فیلیپ لازارینی)

لازارینی اضافه می‌کند کسانی که در نتیجه‌ی حمله‌ی مجدد به غزه آواره شده‌اند هیچ جایی برای پناه بردن ندارند و حتی پس از آن که ساختمان انروا بمباران شد کسانی که به آنجا پناه آورده بودند، در

آن ویرانه ماندند. لازارینی می‌افزاید که در جریان بمباران‌های غزه بیش از ۷۰۰ نفر که به ساختمان‌های ملل متحد پناه آورده بودند، کشته شده‌اند.»

باز هم پنجشنبه ۱۴ فروردین «دست‌کم ۲۷ غیرنظامی فلسطینی از جمله کودکانی که به مدرسه الارقم در الطوقه در شمال شرقی شهر غزه پناه آورده بودند امروز بعدازظهر در یک حمله هوایی اسرائیل به این مدرسه کشته و بیش از صد نفر مجروح شدند. هواپیماهای اسرائیلی این مدرسه را با سه موشک هدف گرفتند. در همین حال منابع بیمارستانی تأیید کرده‌اند که از نخستین ساعات امروز ۷۵ غیرنظامی فلسطینی در حملات اسرائیل به مناطق مختلف نوار غزه کشته شده‌اند.» (خبرگزاری وفا)

یکشنبه ۱۷ فروردین «در نتیجه‌ی حملات هوایی و توپخانه‌ی اسرائیل در الطوقه در حومه‌ی غزه و در خان‌یونس نزدیکی مدرسه‌ی هارون‌الرشید و اردوگاه آوارگان البوریج در مرکز غزه جمعاً ۲۰ زن و کودک کشته و تعداد زیادی مجروح شدند.» (خبرگزاری وفا)

چهارشنبه ۲۰ فروردین در حمله‌ی هواپیماهای اسرائیلی به مناطق مسکونی خیابان بغداد شجاعیه در شرق غزه و بمباران این منطقه که طی آن یک ساختمان مسکونی چهار طبقه به‌کلی ویران و خانه‌های اطراف آن در هم کوبیده شد، حداقل سی غیرنظامی فلسطینی از جمله ۸ کودک قتل عام و حدود ۵۰ نفر به شدت زخمی شدند.» (خبرگزاری وفا)

پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ۳۹ غیرنظامی فلسطینی که بیشتر آنان کودک بودند در حملات هوایی اسرائیل در مناطق مختلف غزه به‌ویژه خان‌یونس کشته و چنده نفر زخمی شدند.

جمعه ۲۶ اردیبهشت. بیانیه‌ی یونیسف حاکی است ظرف دو روز گذشته اسرائیل ۴۵ کودک را در غزه کشته است. این بیانیه تأکید می‌کند که کودکان در غزه مصیبت‌بارترین سرنوشت را دارند، زیرا پیش از آن که قربانی حملات کور هوایی شوند باید روزها گرسنگی و آوارگی بکشند.

سه‌شنبه ۱۳ اردیبهشت. بنا به اعلام منابع بیمارستانی در نتیجه‌ی یک رشته حملات هوایی اسرائیل به چادرهای آوارگان و خانه‌ها در نقاط مسکونی مختلف که از طلوع آفتاب شروع شده است ۷۰ غیرنظامی که بیشتر آن‌ها زن و کودک بوده‌اند، کشته شده‌اند تا جایی که یائیرگلان ژنرال بازنشسته اسرائیلی و رهبر «حزب دموکراتیک» این کشور در مقام انتقاد از سیاست اسرائیل می‌گوید «چرا اسرائیل محض سرگرمی و تفریح» به کشتار کودکان دست می‌زند.

شنبه ۳ خرداد. هنگامی که دکتر علاء‌النجار که ماه‌ها بود در مجتمع بیمارستانی ناجر در خان‌یونس مانند مادری برای نجات جان کودکان غزه تلاش می‌کرد، برای بررسی وضعیت کودکان زخمی یا کشته‌شده‌ای که گروه گروه به دنبال حملات هوایی اسرائیل به بیمارستان منتقل کرده بودند بر روی آن‌ها خم شده بود، در میان اجساد که برای انتقال به سردخانه بیمارستان از راه می‌رسید، اجساد نیم‌سوخته و تکه‌پاره کودکان خود را بازشناخت که همه‌ی آن‌ها را یکایک از آمبولانس خارج می‌کردند و این نسل‌کشی تا همین ساعت ادامه دارد.

در روز دوشنبه ۵ خرداد در حمله هوایی به مدرسه‌ی الدراج در حومه‌ی شهر غزه دست‌کم ۳۶ نفر کشته و تعداد زیادی کودک زنده‌زنده در آتش سوختند و در روز چهارشنبه ۷ خرداد، دو خانواده‌ی فلسطینی را در «الاربید» (شمال غزه) و «عقیلان» (در دیدالبلح) قتل عام کردند و با حملات توپخانه

و نارنجک مجموعاً ۱۷ زن و کودک دیگر را هم کشتند. روز چهارشنبه ۱۴ خرداد منابع درمانی و بیمارستانی اعلام کردند فقط طی ۲۴ ساعت گذشته ۹۷ جسد و ۴۴۰ نفر مجروح و مصدوم تحویل بیمارستان‌ها شده است و روز پنجشنبه ۱۵ خرداد در بمباران‌های اردوگاه‌های آوارگان جبالیه، بیت لحید و خان‌یونس ۱۵ غیرنظامی کشته و ده‌ها نفر زخمی شدند.

از سه‌شنبه ۲۸ اسفند ۱۴۰۳ که تاریخ تهاجم دوباره اسرائیل به غزه پس از آتش‌بس است تا این تاریخ مسئولین بیمارستانی ۴۳۳۵ کشته و بیش از ۱۳,۳۰۰ زخمی را گزارش داده‌اند که این ارقام دائماً در حال افزایش است. این ارقام فقط کشتگان و زخمیانی را دربرمی‌گیرد که به بیمارستان‌ها و سردخانه‌ها تحویل شده‌اند و شامل زخمی‌هایی که بعداً فوت کرده‌اند، یا زیر آوار مانده‌اند یا کسانی که در نتیجه‌ی گرسنگی، قحطی و بیماری از پا درآمده‌اند نمی‌شود.

به گزارش همین منابع تلفات غیرنظامیان در عملیات نظامی اسرائیل از آغاز جنگ در تاریخ ۷ اکتبر (۱۵ مهرماه ۱۴۰۲) تا کنون به ۵۴,۶۰۷ نفر رسیده است که اکثریت آنان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند. شمار زخمیان و کسانی که دچار نقص عضو شده‌اند نیز به ۳۴۱,۱۲۵ نفر رسیده است و هزارها نفر هنوز در مناطقی در زیر آوارها مانده‌اند که به دلیل ادامه حملات هوایی و عملیات زمینی تیم‌های امداد و نجات، به آن‌جا دسترسی ندارند.

بن گوریون، بنیانگذار دولت اسرائیل در سلسله مقالاتی که به مناسبت دادگاه جنجالی آیشمن منتشر کرد، نوشت: «... این درسی بود برای دنیای غریبه‌د که بدانند چگونه یک میلیون کودک که از بخت بد یهودی بودند به‌وسیله نازی‌ها کشته شدند. ما می‌خواهیم همه‌ی کشورهای جهان این را بدانند... و از آن شرم‌منده باشند.» امروز چه کسی باید بنویسد چگونه صدها هزار کودک که از بخت بد عرب فلسطینی بوده‌اند به دست اسرائیلی‌ها کشته شده‌اند تا همه‌ی کشورهای جهان بدانند... و از این بابت شرم‌منده باشند؟

اسرائیل، برج سر پل خاورمیانه، ابتدا نقش سرنیزه استعمارگران کهنه و متزلزل اروپایی را ایفا می‌کرد و با پشتیبانی آن‌ها در ستیزه با جنبش‌های رهایی‌بخش ملی این منطقه و رژیم‌های برآمده از این جنبش‌ها که با اربابان استعماری پیشین منطقه در کشاکش بودند و می‌خواستند در توسعه‌ی ملی خود مسیری مستقل از آن‌ها را طی کنند، رشد کرد، چنان‌که مثلاً در جنگ سال ۱۹۵۶ پس از ملی کردن کانال سوئز از طرف مصر، در ائتلاف و هماهنگی کامل با چتربازان انگلیس و فرانسه و همراه میراژهای فرانسوی و تانک‌های انگلیسی به مصر حمله کرد. طی دهه‌های بعد که به تدریج ایالات متحده به‌عنوان میراث‌خوار استعمار کهن، نفوذ خود را در منطقه جایگزین نفوذ انگلیس و فرانسه کرد، اسرائیل نیز هر روز بیشتر به ایالات متحده و لابی‌های صهیونیستی آن متکی شد و امروز ایالات متحده از آن به‌عنوان پادگان بزرگی استفاده می‌کند که در کنار انبار نفت جهان و برای حراست از این انبار و تضمین عرضه‌ی دائمی و بدون اختلال نفت خاورمیانه تعبیه شده و به‌قول اتحادیه‌ی ملی چتربازان فرانسه «دژ افتخارآمیز و شجاع تمدن غرب» در منطقه است. در واقع پایتخت حقیقی اسرائیل نه تل‌آویو، بلکه نیویورک است. چنین است که می‌بینیم حتی آخرین قطعنامه‌ای هم که با حمایت متحدین خود ایالات متحده برای اعلام آتش‌بس بی‌قیدوشرط به شورای امنیت ارائه می‌شود، تنها با یک رأی مخالف، یعنی با وتوی ایالات متحده‌ی آمریکا در روز چهارشنبه ۱۴ خرداد، رد می‌شود؛ زیرا نه اسرائیل و نه پشتیبان اصلی آن، ایالات متحده، هیچ یک به حقوق بشر و موازین

حقوق بین‌الملل اعتقاد جدی و واقعی ندارند. بن‌گوریون، بنیان‌گذار دولت یهود، در همان سال‌های آغازین سده بیستم که به‌عنوان مهاجر به فلسطین آمده اعلام می‌کند: «در جهان امروز، زور تنها چیزی است که مورد احترام است.» هم او در سال ۱۹۵۴ در کتاب خود «تولد دوباره و سرنوشت اسرائیل» تأکید می‌کند که «مسئله با نیروی اسلحه حل خواهد شد، نه با رامحل‌های رسمی». به این ترتیب، چون جنبش صهیونیستی ذاتاً نژادپرست و از لحاظ ارضی توسعه‌طلب است، تشکیل دولت اسرائیل -مولود این جنبش- از همان آغاز هرگونه امکانی را برای شکل‌گیری یک دولت فراگیر به‌وسیله مردم این سرزمین و با مشارکت آنان، از میان برد و صهیونیست‌ها با توسل به روش‌های فاشیستی و ترور سازمان‌یافته سیاست اخراج و نابودی ساکنان اصلی فلسطین و اسکان مهاجرین یهودی را بجای آنان در پیش گرفتند.

نژادپرستی اسرائیلی‌ها منحصر به استنادات نظری صهیونیسم به تورات نیست که آنان را با «نژاد برگزیده» معرفی می‌کند، بلکه در عمل نیز اساس مناسبات اجتماعی آنان است. خاخام بزرگ حیفا از ازدواج نوه بن‌گوریون که مادر انگلیسی‌الاصل و مسیحی او بعداً یهودی شده بود با یک افسر چترباز اسرائیلی جلوگیری کرد زیرا به نظر این سرخاخم دلیلی در دست نبود که نشان دهد دختر یادشده یهودی است! به آسانی می‌توان فهمید فلسطینی‌های ساکن اسرائیل هم‌اکنون در سرزمین مادری خود بیگانه محسوب می‌شوند در چه شرایطی زندگی می‌کنند.

تجاوز و توسعه‌طلبی ارضی هم خصلت ذاتی دیگر صهیونیسم است. نگاهی گذرا به نقشه اسرائیل و گسترش مرحله به مرحله آن با خون و خشونت طی این ۷۸ سال تصویر روشنی از این تجاوزات و توسعه‌طلبی‌های ارضی را در عمل نشان می‌دهد. اسرائیلی‌ها هنوز رویای ارض توراتی «از نیل تا فرات» را در سر می‌پروراند و کوشیده‌اند با جنگ‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ این رویا را تحقق بخشند. در سال ۱۳۴۸، در جریان تأسیس دولت اسرائیل، بن‌گوریون در حکومت موقت، در مقابل دو تن عضو حقوقدان حکومت موقت که بر آن بودند که در اعلامیه تأسیس دولت اسرائیل قانوناً باید مرزهای کشور مشخص شود، چون یکی از ارکان هر کشور قلمرو آن است، بن‌گوریون با مشخص کردن مرزهای اسرائیل در اعلامیه مزبور مخالفت می‌کند. به استدلال او ایالات متحده آمریکا هم در اعلامیه استقلال خود مرزهایش را مشخص نکرد و از آن زمان به بعد با تصرف مناطق دیگر قلمرو آن دولت را از سه ایالتی که در زمان اعلام استقلال در اختیار داشت، به ۵۰ ایالت بین‌اقیانوس‌های اطلس و آرام گسترش داد. (ها آرتز ۲۰ اکتبر ۱۹۹۷)

در راستای چنین سیاستی صهیونیست‌ها از همان سال ۱۹۴۸ با تهدید و ارباب یا به‌ضرب اسلحه و کشتار، درست مانند رفتاری که امروز با ساکنان غزه دارند، فلسطینی‌ها را از شهرها و روستاهایشان اخراج و آواره می‌کردند. آوریل ۱۹۴۸ تروریست‌های سازمان ایرگون ۲۵۴ نفر مرد و زن و کودک را در روستای دیر یاسین قتل عام کردند. آنان دست و پای قربانیان خود را قطع کردند و آن‌ها را در چاه‌ها ریختند. قاتلان سپس مصاحبه‌ای مطبوعاتی ترتیب دادند تا همه را از آنچه کرده بودند مطلع سازند و آمادگی خود را برای ادامه جنگ، کشتار و اشغال اعلام کنند. آن‌گاه باقی‌ماندگان دیر یاسین را در داخل کامیون‌های روباز روی هم ریختند و پیش از تحویل این اسیران به مقامات انگلیسی وادارشان کردند در کوچه‌های محلات یهودی‌نشین اورشلیم در زیر باران فحاشی، اهانت، زباله و آب دهان رژه بروند. آن‌گاه همه را آزاد کردند تا آنچه را بر سرشان آمده بود برای خویشان و نزدیکان خود بازگو کنند و مردم عرب ساکن این مناطق از وحشت آن‌چه در دیر یاسین روی داده بود یا در

نتیجه‌ی گلوله‌باران‌های شهرها و روستاها در حالی که خانه‌ها، زمین‌ها، مایملک و وسایل زندگی خود را به‌جا می‌گذاشتند، می‌گریختند. صهیونیست‌ها به این ترتیب یک میلیون عرب مسیحی و مسلمان را از ده‌ها شهر مانند یافا، لیدا، رمله، بیرسبع و و پانصد روستای فلسطین بیرون کردند و خود جای آنان را گرفتند.

از آن‌چه امروز در غزه می‌گذرد همه آگاهند: ویرانه‌های سوخته، تل‌های اجساد غیرنظامیان، آوارگان بی‌دفاع در حال فرار، قطعی و گرسنگی و کودکانی که وقتی برای تکه‌ای نان یا یک مشت آرد به سوی «دام مرگ» می‌روند، در خاک و خون می‌غلطند. نسل‌کشی فجیعی که امروز اسرائیلی‌ها با پشتیبانی کامل ایالات متحده، بسیاری از کشورهای اروپایی و سکوت رذیلانه‌ی ارتجاع دولت‌های منطقه در غزه به راه انداخته است، ادامه‌ی طبیعی ۷۸ سال تاریخ جنایت‌بار صهیونیسم است. فاجعه‌ی فلسطین تاریخی ۸۰ ساله دارد. پای نابودی یک ملت و یک تاریخ در میان است. آلام یهودیان اروپا در گذشته، آشویتس، داخائو، گتوها و رنج و مصیبت امروز مردم فلسطین همه منشاء واحدی دارند. چه کسی مسئول سرنوشت یهودیان اروپا در گذشته، مسئول آشویتس، داخائو و گتوها است اگر سویی‌های استعماری-استعماری تمدن غربی نیست که دیروز نازیسم را به وجود آورد و امروز اسرائیل را برای حفظ منافع خود در خاورمیانه علم کرده و از آن پشتیبانی می‌کند؟ اسرائیل در همان نظام شومی زاده شده و پرورش یافته که دیگر نظام‌های فاشیستی یک قرن گذشته از آن برآمده‌اند. این نظام که تنها نیمی از جهان را می‌بیند و همواره نگران «حق اسرائیل در دفاع از خود» است باید درک کند غرامات جنایاتی را که خود در حق یهودیان کرده فلسطینی‌ها نباید پرداخت کنند.

انتظار می‌رود که نیروها و سازمان‌های دموکراتیک، روشنفکران مستقل و وجدان‌های آگاه و بیدار سراسر جهان از هر طریق ممکن در جهت افشای این نسل‌کشی و مبارزه برای متوقف ساختن آن تلاش کنند.

آنچه در باریکه‌ی کوچکی در جهان پهناور ما می‌گذرد، جهنم زیر و رویی که پیش چشم جهان «متمدن» ما چون برق لامع متلالتو است اما همه کس در برابر آن خود را به کوری و کوری زده است، چنان هول‌آور و جانگزا است که بی‌گمان «دوزخ» آن فلورانس بزرگ، دانته آلیگیری، پیش آن چون بهشت برین می‌نماید. هزاران هزار نوزاد و کودک در کمتر از دو سال بر اثر بمباران اسرائیل سلاخی شده‌اند، هم اکنون صدها و هزاران کودک را به عمد و با نیت قبلی گرسنگی می‌دهند تا از سوءتغذیه پیش چشم مادرانشان بمیرند. بیداد از حد گذشته، شاید پس از هولوکاست و ویتنام هرگز تدنی اخلاقی و بی‌اعتنایی به وهنی که بر تبار انسان می‌رود تا بدین پایه نبوده باشد. ۱۸۰ هزار فلسطینی، از کودک و زن و پیر و جوان، به دست قصابان اسرائیلی سلاخی شده‌اند، اما جنون آدم‌کشی این ناکسان ضدبشر را سر باز ایستادن نیست. بزرگ دوزک چهره‌ی حقوق بشری سویی‌های استعماری-استعماری جهان متمدن غرب اکنون دود شده و به هوا رفته و جامه دریده و عریان، خود را به رخ ستمدیدگان و آزادی‌خواهان می‌کشد و خون می‌طلبد.

ای همه وجدان‌های بیدار، بشر دوستان و جان‌های آگاه، نگذاریم کودکان غزه از گرسنگی بمیرند، فریاد برداریم، بر این بیداد بشوریم، نجات انسانیت از توحش و فرمانفرمایی قانون جنگل و سبعت بهیمی در گرو کوشش و پیکار جمعی ماست.

akhbarkargari2468@gmail.com